

به عقیده ما مسلمین، قرآن سخن و وحی خداوند یکتاست. سخنی است که شنیدنش لرزه بر اندام می آورد. درون آدمی را نرم کرده و ذهن را متوجه ذکر خدا می کند. سخن خداوندی است که صاحب ملکوت آسمانها و زمین است و آگاه و دانا به ریز و درشت خلقت است. این است که مافقرآن را روشنگر و راهنما می دانیم و عقیده داریم که معجزه پیامبر است.

از طرفی هر انسان غیر مسلمانی که بدون تعصب و غرض قرآن را بخواند بر نظم و آهنگ دلنواز آن اذعان دارد. این خود شاهدی بر اعجاز کلامی قرآن است چرا که قرآن وحی بر پیامبری بی سواد بوده است. ولی چنان آهنگ کلامی قرآن زیبا بوده و چنان معانی آن بر دل می نشست که اعراب زمان پیامبر را مسلمان کرده. اعرابی که خود سخنور بوده اند و شعرای بسیاری داشته اند در برابر نظم و آهنگ کلام خدا سر فرود آورده اند. از طرفی کفاری که تعصب چشمانشان را کور و گوشه‌هایشان را سنگین کرده بود قرآن را نمی پذیرفتند. گاهی به پیامبر تهمت شاعری می زدند و گاهی قرآن را افسانه‌های پیشین می خواندند.

برای اثبات بطلان ادعای کفار زمان پیامبر و همچنین کسانی که با تعصب و دیده کور به قرآن می نگرند، خداوند آنها را به آوردن سوره‌ای مثل سوره‌های قرآن فرا می خواند. به این موضوع در پنج جای قرآن اشاره شده است:

۱- سوره ۲ آیات ۲۳ و ۲۴

و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را غیر خدا فرا خوانید. پس اگر نکردید و هرگز نمی‌توانید کرد از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران آماده شده بپرهیزید.

۲- سوره ۱۷ آیه ۸۸

بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.

۳- سوره ۱۱ آیات ۱۳ و ۱۴

یا می‌گویند این [قرآن] را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می‌گویید ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید. و اگر آنها دعوت شما را نپذیرفتند بدانید با علم الهی نازل شده و هیچ معبودی جز او نیست آیا با اینحال تسلیم می‌شوید؟

۴- سوره ۱۰ آیات ۲۸ و ۲۹

یا می‌گویند آن را به دروغ ساخته است بگو اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید و هر که را جز خدا می‌توانید فرا خوانید. بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تاویل آن برایشان نیامده است [کسانی] هم که پیش از آنان بودند همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند.

۵- سوره ۵۲ آیات ۲۳ و ۲۴

می‌گویند آن را برافته [نه] بلکه باور ندارند. پس اگر راست می‌گویند سخنی مثل آن بیاورند.

بر طبق این آیات خداوند ناباوران را به آوردن سوره‌ای شبیه قرآن فرا می خواند. کفار زمان پیامبر با همه سخن وریشان و تسلطشان به زبان عربی نتوانستند این کار را بکنند. آنها که تهمت شاعری به پیامبر می زدند فرصت طلایی به دست آورده بودند تا در زمانی که اسلام نو پا بود و تعداد مسلمین بسیار اندک، این دین جدید را فقط با آوردن یک سوره به زانو بیاورند ولی نتوانستند. اکنون که قرن‌ها از این فرا خوانی قرآن می گذرد، عده‌ای از مخالفان قرآن که نه تنها نظم و زیبایی ظاهری قرآن را درک نکرده اند بلکه مفهوم و معنی قرآن را نیز متوجه نمی‌شوند، ادعا می‌کنند که تقلید از قرآن و نوشتن سوره‌ای مثل سوره‌های قرآن کاری ساده است. بعضیها پا را فراتر گذاشته و اشعار حافظ و فردوسی و شاعران دیگر را برتر از قرآن می‌دانند. این عده خود درک نمی‌کنند که سخنور و شاعر برجسته‌ای چون حافظ خود به اعجاز قرآن اذعان داشته چرا که شعر میسروده و تفاوت شعر خود با قرآن

را درک می کرده. قرآن برای این موضوع مثال عصای موسی را می آورد. وقتی که موسی عصای خود را به اذن خداوند تبدیل به مار کرد، فرعون که احاطه علمی نداشت و تعصب چشمانش را کور کرده بود معجزه موسی را نمی پذیرفت در حالیکه جادوگران او که فرعون برای مبارزه با موسی فرا خوانده بود، ضعف و محدودیت خود را درک می کردند و با دیدن معجزه موسی ایمان آوردند. چرا که آنها بر خلاف فرعون می دیدند که کار موسی از عهده یک انسان خارج است و تنها یک قدرت مافوق طبیعی و برتر از عهده آن بر می آید.

در اینجا برای نشان دادن پوچی ادعای این افراد تصمیم گرفتیم که از دید یک غیر مسلمان ولی بدون تعصب به این موضوع نگاه کنیم. ببینیم بدون در نظر گرفتن اعتقاداتم به عنوان یک مسلمان آیا می توانم سوره ای مانند سوره های قرآن بنویسم یا نه. اگر در انتها ادعان کردم که اینکار نه تنها از عهده من بلکه از عهده هیچ انسانی بر نمی آید خط بطلانی می کشم بر ادعای مخالفین متعصب قرآن.

برای اینکار به کوتاهترین سوره قرآن توجه کردم. سوره کوثر کوتاهترین سوره قرآن است که تنها ده کلمه دارد:

إِنَّ الْأَعْيُنَ نَازِكَةٌ لِّلْقَوْرِ **مَرًّا** : ما تو را [چشمه] کوثر و فراوانی تعمت دادیم

فَصلٌ **لِّرَبِّكَ** **وَالْأَنْصُرُ** : پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن

إِنِّ **عَنَّا** **نَزَّلْنَا** **هُوَ** **الْأَبْتَرُ** : دشمنت خودبی تبار و دست کوتاه از آینده خواهد بود

با خواندن این سوره متوجه می شویم که این سوره به صورت نظم است. پس اگر قرار باشد سوره ای مانند این بیاوریم باید به صورت نظم باشد. از طرفی کلمات نظم به دقت انتخاب شده اند. کوثر و انهر و ابتر هر سه چهار حرف دارند که نوشتن نظم مثل آن را مشکل می کنند. در قدم بعد به دنبال این سه لغت در قرآن گشتم. متوجه شدم که این سه لغت تنها و تنها یکبار و آنهم در این سوره آمده اند. این یعنی اگر قرآن ساخته سخنان پیامبر می بود او باید با لغاتی که نه قبل و نه بعد از آن استفاده می کند شعر بگوید. این نوشتن سوره ای مثل این را بسیار مشکل می کند. ما شاید بتوانیم از سخن دیگران تقلید کنیم ولی اگر لازم بود که با لغاتی که هرگز استفاده نکرده ایم نظم بگوییم کار بسیار مشکلی می داشتیم. تا اینجا من فقط به نظم ظاهری قرآن نگاه کرده ام و فعلا بسیار تحت تاثیر قرار گرفته ام .

در مرحله بعد به معنی و مفهوم سوره نگاه کردم. این تیر خلاصی بود برای من که ایمان بیاورم نه تنها من بلکه هیچ انسان دیگری نمی تواند شبیه این سوره بیاورد. آیات پیشگویی هستند در مورد مخالفان پیامبر که در زمان پیامبر به حقیقت پیوست. پیامبر به اوج اقتدار رسید و خداوند نعمتش را بر او کامل کرد و دشمنانش همه کوتاه دست ماندند. هیچ انسانی هرگز نخواهد توانست آینده را پیشگویی کند. اگر اعراب زمان پیامبر در برابر نظم و آهنگ سوره کوثر سر تسلیم فرد آوردند اکنون ما باید سر تعظیم بر مفهوم آن نیز فرود بیاوریم. این یعنی ما با درک اندکی که از قرآن داریم اگر بدون تعصب به کوچکترین سوره قرآن بنگریم ادعان می کنیم که این سوره سخن قدرتی است که دانای نهان و غیب است. خداوند در قرآن می فرماید:

و کلیدهای غیب تنها نزد اوست جز او [کسی] آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریاست می داند و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است.

سوره های دیگر هر کدام داستانی دگر دارند و عظمتی دگر. ما با دانش اندکمان تنها در حد و اندازه فهممان می توایم از قرآن استفاده کنیم و با توصل به خدا قرآن را راهنمای مسیرمان قرار دهیم.

